

من سیزده

سال است که در پایه‌ی دوم دبستان مشغول تدریس هستیم. من در دبستانی تدریس می‌کنم که دانش‌آموزانش، به‌دلیل مشکلات مالی، نمی‌توانند هر وسیله‌ای را درست کنند. برای همین تا جایی که می‌توانم از مدرسه یا خودم وسیله‌ی مربوطه رو درست می‌کنم.

یک روز صبح مدیر مدرسه‌ی ما چند گل‌دان زیبا به مدرسه آورده بود تا حال و هوای بچه‌ها و معلم‌ها با دیدن آن‌ها عوض شود. چند گل‌دان در سالن مدرسه و چند گل‌دان دیگر را در دفتر گذاشته بودند. چند روز بعد دیدم یکی از گل‌دان‌ها برگ‌هایش در حال زرد شدن است. یکی از همکارانم گفت، این گیاه به نور خورشید فراوان نیاز دارد، در حالی که اتاق معلم‌ان آفتاب کمی داشتیم. من از مدیر مدرسه خواستم این گل‌دان را به کلاس خودم ببرم. چون کلاس من آفتاب‌گیر بود.

گل‌دان را به کلاس بردم. بچه‌ها با دیدن گل‌دان از من خواستند چند گل‌دان دیگر به کلاس بیاورند. من هم قبول کردم. بعد از آن روز چند نفر به نوبت به گل‌دان‌ها آب می‌دادند. گل داخل این گل‌دان کم‌کم رشد کرد بعد از مدتی داخل گل‌دان پر از گیاهان کوچکی شد. من فکر کردم که علف هرز است بچه‌ها هم گفتند که خانم این گیاهان را بکنید تا گیاه خوب رشد کند. اما قبول نکردم. این گیاهان در گل‌دان رشد می‌کردند و ما نیز در درس علوم کم‌کم به بخش سرگذشت دانه‌ها رسیدیم. این گیاهان بعد مدتی شروع به گل دادن کردند و با گل‌های زرد و سفید گل‌دان را خیلی زیبا کردند. کم‌کم گل‌ها تبدیل به میوه‌های سبزرنگ شدند و بعد از مدتی این میوه‌ها به رنگ نارنجی زیبایی درآمدند. وقتی این میوه‌ها رسیدند، این گیاهان به دانش‌آموزان نشان دادند که یک گیاه همیشه در حال رشد است. و برای رشد نیاز به آب سالم، خاک مناسب و نور خورشید دارند. دانه‌ی گیاهان می‌توانند به صورت‌های مختلف پراکنده شوند. بذر این گیاهان از هر طریقی وارد این گل‌دان شده و چون شرایط خوبی برای رشد داشتند شروع به رشد کرده بودند.

من گیاه کوچکی که یک گل زیبا هم رویش بود از گل‌دان بیرون آوردم تا دانش‌آموزان قسمت‌های مختلف یک گیاه را ببینند. دانش‌آموزان دیدند که گیاهان برای رشد قسمت‌های مختلفی دارند آن‌ها فهمیدند گیاهان ابتدا دانه هستند. بعد جوانه می‌زنند و سپس ساقه و برگ به وجود می‌آید و بعد آن گل و میوه به وجود می‌آید. خودشان متوجه شدند که میوه از دانه به دست می‌آید و تمام میوه‌ها قابل خوردن نیستند و دانه‌ها نیز با هم فرق‌هایی دارند. وقتی به این مرحله از درس رسیدم چند میوه‌ی این گیاه که داشت خشک می‌شد

کندم و به بچه‌ها گفتم که داخل آن‌ها را باز کنند و بگویند که چه می‌بینند. با این کار دانش‌آموزان فهمیدند دانه در وسط میوه قرار دارد. از اینکه توانسته بودم از این گل‌دان‌ها و گیاهان

برای تدریس یک بخش از علوم استفاده کنم خیلی احساس خوشحالی می‌کردم. جلسه‌ی بعد نیز چند نفر از دانش‌آموزان مراحل رشد گیاه لوبیا را روی مقوا درست کردند و به کلاس آوردند و من روی تابلوی کلاس نصب کردم. این موضوع یک تجربه‌ی لذت‌بخش برای من و دانش‌آموزانم بود.

از دانه تا دانش

طاہرہ رحمانی

دبستان شهید مسعود طاہرخانی، شهرستان تاکستان

